

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه پنجم ۹۷/۰۷/۰۸

موضوع: ضرورت توانمند سازی علمی در مسیر پاسخگوئی به شبهات (۴) - آشنایی با تفسیر طبری

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

بحث ما در رابطه با مصادر تفسیری مورد اعتماد اهل سنت بود و عرض شد که اولین تفسیر مهم و اساسی که مورد تأیید همه شان است حتی ابن تیمیه هم آن را قبول دارد تفسیر «جامع البیان» طبری، متوفای ۳۱۰ است.

«طبری» از نظر مذهب، شافعی است و معمولاً مذهب در میان مؤلفین اهل سنت حرف اول را می زند. شما اگر به شارحین صحیح بخاری نگاهی بیاندازید، «ابن حجر» شافعی است، «عینی» حنفی است، «ابن حجر» از اول تا آخر فتح الباری شرح صحیح بخاری، شمشیر را از رو علیه حنفی ها بسته است! تمام تلاشش این است که عقاید حنفی ها را تار و مار کند.

«بدر الدین عینی» هم در عمدة القاری علیه شافعی ها است، یک جنگ مذهبی خیلی مفصل بین این آقایان است. من روزی در رابطه با جنگ مذهب میان بزرگان و شخصیت های طراز اول اهل سنت، بطور مفصل بحث خواهم کرد. آن رده پایین های شان خیلی قابل توجه نیستند.

روایتی را «ابن حجر» می آورد که به نفع حنفی ها است تضعیف می کند و می گوید «واقدی» آدم بد و کذابی است. یک جا در رابطه با فقه شافعی است که یک فقه بی اثری هم هست با تمام تلاش، آسمان و زمین را به هم می بافت تا واقدی را توثیق کند. آدم نمی داند این ها برای فردای قیامت هم جوابی دارند یا نه؟ آن خیلی مهم نیست ولكن:

«إن لم یکن لکم دین فکونوا احرارا فی دنیاکم»!

حداقل این قدر آزاد مرد باشید که نسبت به هم کیش‌های خودتان، در این که سنی هستید اشتراک دارید با شیعه خیلی اشتراک ندارید ولی با سنی‌ها اشتراک زیادی دارید این طور همدیگر را به باد نقد و استهزاء و غیره نگیرید!

در یک جلسه مفصل در رابطه با تناقض‌هایی که نسبت به یک راوی دارند بحث خواهیم کرد. یک راوی را به نفع خودش یک جا توثیق می‌کند. ده صفحه دیگر چون به ضررش هست تضعیف می‌کند، آن وقت این‌ها به شیعه انتقاد می‌کنند که شیعه، رجال ندارد! شیعه علم حدیث ندارد! شیعه مبنا ندارد!

پرسش:

«ابن تیمیه» تأویلات قرآن را قبول ندارد. اسم کتاب تفسیر طبری که از آن حمایت می‌کند، «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» است که در رابطه با تأویلات قرآن است. این اسم با آن مبنایی که داریم اصلاً جور در نمی‌آید منظورش از این تأویل چیست؟

پاسخ:

در این جا تأویل آیات قرآن به معنای تفسیر آیات قرآن است، نه تأویل به آن معنای مصطلح.

اقوال علما در تمجید از تفسیر طبری:

۱- آقای «خطیب بغدادی» (متوفای ۶۶۳) است که می‌نویسد:

«وله الكتاب المشهور في تاريخ الأمم والملوك وكتاب في التفسير لم يصف أحد مثله»

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۶۶۳، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت ج

۲ ص ۱۶۳

می گوید: تفسیری است که احدی مثل او را تألیف نکرده. البته «لم یصنف احدٌ مثله» ادامه دارد به «ابن ابی حاتم»، به «بغوی» و به «واحدی» می رسند همین را دارند این نهضت ادامه دارد دقت بفرمایید «لم یصنف احدٌ مثله» تفسیری است که در نوع خودش بی نظیر است.

۲- «ابن تیمیه» می گوید:

«وهو من أجل التفاسیر وأعظمها قدرا»

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: ۷۲۸، دار

النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج ۱۳، ص ۳۶۱

«ابن تیمیه» در مجموع فتاوا هم می گوید:

«وأما (التفاسیر) التي فی ایدی الناس فأصحها (تفسیر محمد بن جریر الطبری) فانه يذكر مقالات السلف بالأسانید الثابتة

ولیس فيه بدعة ولا ینقل عن المتهمین»

صحيح ترین تفسیری که در دست مردم است تفسیر طبری است. سخنان سلف را با سندهای ثابت نقل می کند.

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: ۷۲۸، دار

النشر: مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة: الثانية ، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج ۱۳، ص ۳۸۵

در ضمن منظورش از سخنان سلف، روایات نیست، مقالات سلف، روایات نبوی را نمی گوید. یعنی از صحابه، تابعین، اتباع

تابعین مطالبی دارد همه اینها را با سند آورده است.

«ابن تیمیه» می گوید طبری از کسانی که متهم به کذب و بدعت هستند ایشان روایتی را نقل نمی کند و جالب این است که

ایشان در رابطه با آیه ولایت:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ)

که به تعبیر شیخ طوسی، قوی‌ترین دلیل شیعه بر امامت حضرت امیر (سلام الله علیه) است، «ابن تیمیه» در منهاج السنة، جلد ۷، صفحه ۱۷۸ بحثی را در رابطه با ابن اسحاق، صاحب سیره می‌آورد که در فضائل، اشیاء ضعیفه‌ای را آورده همه این‌ها جعلی است، بعد می‌گوید ائمه تفسیری که با سندهای معروف نقل می‌کنند مثل تفسیر ابن جریر تا ابن جریر طبری و محمد ابن اسلم الطوسی و ابن ابی حاتم...

«و غیرهم من العلماء الأكابر الذین لهم فی الإسلام لسان صدق»

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: ۷۲۸، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۷۹

دقت کنید ما در دو جا با این‌ها کار داریم یکی در «طبری»، یکی در تفسیر «ابن ابی حاتم» روی بقیه زیاد اصرار نداریم. که ابن تیمیه می‌گوید:

«الذین لهم فی الإسلام لسان صدق و تفاسیرهم متضمنة للمنقولات التي يعتمد عليها فی التفسیر»

این خیلی مهم است -دوستان داشته باشند- تفسیری از طبری یا ابن ابی حاتم این دو تا تفسیر ما در آیات ولایت زیاد به این‌ها استناد می‌کنیم طبری مثلاً نزول آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ)

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

در شأن امیر المؤمنین (علیه السلام) از طبری نقل می‌کند جلد ۶، صفحه ۳۹۰. یا «ابن ابی حاتم» باز نزول آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ)

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

آیهی:

(بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

باز «ابن ابی حاتم» در تفسیرش جلد ۶، صفحه ۱۱۷۲ می آورد. ما آیات ولایت را عمدتاً از این دو تا تفسیر داریم به این موضوع دقت بکنید. این عبارت خیلی جالب است که ابن تیمیه می آورد به قولی می گویند دروغ، شاخ و دم ندارد! ابن تیمیه می گوید اهل علم بزرگ، اهل تفسیر مثل تفسیر محمد ابن جریر طبری و ابن ابی حاتم این موضوعات یعنی نزول آیه ولایت در حق علی را، هیچ کدام نیاوردند.

ابن ابی حاتم را عرض کردم جلد ۴، صفحه ۱۱۶۲ می آورد و دو تا روایت هم می آورد و طبری هم جلد ۶، صفحه ۲۸۸ دار الفکر، ۳۹۰ چاپ دیگرش است، در الجامع الکبیر صفحه ۲۸۸ است و در مکتبه اهل بیت صفحه ۳۹۰ است.

یا مثلاً ابن تیمیه می گوید:

«علي لما تصدق بخاتمه في الصلاة و هذا كذب بإجماع أهل العلم بالنقل!»

دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیه، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ۷۲۸، دار

النشر: مؤسسة علوم القرآن - دمشق - ۱۴۰۴، الطبعة: الثانية، تحقيق: د. محمد السيد الجليند، ج ۲، ص ۲۰۶

«ابن تیمیه» صدقه دادن امیرالمؤمنین در رکوع را کذب می داند!! ولی آلوسی می گوید:

«غالبُ الاخباريين»

یعنی ادعای اجماع می کند

«والآية عند معظم المحدثين نزلت في علي كرم الله تعالى»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي

البغدادی الوفاة: ۱۲۷۰هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۶، ص ۱۸۶

دو جا ادعای اجماع می کند ابن تیمیه می گوید:

«كذب بإجماع أهل العلم بالنقل»!

گویا هیچ کدام از این ها اهل علم نیستند! و روایات در کتب شیعه هم الی ماشاء الله است. ایشان که می گوید «اهل العلم بالنقل» به این موضوع هم دقت کنید. روایت «ابن ابی حاتم» و همه این ها این را با سندهای صحیح دارند ما یک آمار مفصلی از بزرگان شان داریم. روایت طبرانی، حاکم نیشابوری، جصاص، ثعلبی، واحدی، شجری جرجانی، قرطبی، سیوطی تمام این ها شاید حدود ۲۷-۲۸ نفر از مفسرین و مورخین و محدثین بزرگ اهل سنت آورده اند که آیه: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ) در شأن امیر المؤمنین نازل شده است.

اما ابن تیمیه انکار می کند و همین طوری می گوید! دروغ شاخ و دم ندارد می آید در روز روشن، عداوت و نصبش را با امیر المؤمنین ثابت می کند و می گوید:

«كذب بإجماع أهل العلم بالنقل»!

کذب است. هیچ کدام از این ها طبرانی، حاکم، ابن ابی حاتم، ثعلبی و واحدی از نظر ایشان اهل العلم بالنقل نیستند!

۳- «ابو حامد اسفراینی» می گوید:

«لو سافر رجل إلى الصين حتى يحصل له كتاب تفسير محمد بن جرير لم يكن ذلك كثيرا»

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۶۶۳، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج ۲،

اگر کسی مسافرت به چین برود (اطلبوا العلم ولو بالصین) یک ضرب المثل است یعنی مسافرت‌های طولانی با مشقت‌های کثیر را اگر کسی تحمل کند تا کتاب تفسیر ابن جریر طبری را به دست بیاورد کار شاقی انجام نداده است. «ابن خزیمه» که از علمای بزرگ و جزو امیر المؤمنین‌هایشان فی الحدیث است. می‌گوید:

«قد نظرت فيه من أوله إلى آخره وما أعلم على أديم الأرض أعلم من محمد بن جرير»

کتاب را از اول تا آخر مطالعه کردم در زیر آسمان کبود، عالم‌تر از طبری من ندیدم.

۴- سیوطی می‌گوید تفسیر طبری از اجلّ تفاسیر و اعظم تفاسیر است و متعرض توجیه اقوال و ترجیح بعضی بر بعضی و اعراب اقوال و استنباط را شامل می‌شود. ایشان می‌گوید:

«فأي التفاسير ترشد إليه وتأمّر الناظر أن يعول عليه»

اگر شما از من سوال کنید کدام تفسیر ما را به حقایق ارشاد می‌کند و قابل اعتماد است؟ من می‌گویم تفسیر امام ابو جعفر محمد ابن جریر طبری است.

«الذي أجمع العلماء المعتبرون على أنه لم يؤلف في التفسير مثله»

علمای معتبر اهل سنت اجماع دارند که تفسیری مثل تفسیر طبری تاکنون تألیف نشده است.

الإتقان في علوم القرآن، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي الوفاة: ٩١١/٥/١٩هـ، دار النشر: دار الفكر - لبنان -

١٤١٦هـ - ١٩٩٦م، الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المندوب ج ٤، ص ٥٠١

عمده بحث ما از اول تا آخر همین پنج شش تا مورد است که وقتی ما استدلال می‌کنیم معمولاً وهابی‌ها یا جوان‌های تازه به دوران رسیده اهل سنت می‌گویند تفسیر طبری ارزشی ندارد و چنین و چنان است. وقتی شما شش هفت نظر بزرگان آن‌ها در مدح و ثنای تفسیر طبری را بیاورید دیگر (فبُهِت الذی منافق) می‌شود. لذا من بارها است که به دوستان توصیه می‌کنم به هر روایتی که می‌خواهید استدلال کنید تلاش کنید اول اعتبار روایت را ثابت کنید بعد استدلال کنید، شما بیست تا روایت

بیاورید سندش را بررسی نکنید با یک جمله شما را خلع سلاح می‌کند آقا این بیست تا روایت همه ضعیف است روایت ضعیف هم قابل استناد نیست.

پرسش:

داستان «یقوی بعضها بعضاً» که آقایان معتقدند پس چه میشود؟!

پاسخ:

آن جایی که به نفع خودشان است این است، ولی جایی که به ضررشان است می‌گویند: «کَلِمَا اشْتَدَّتْ طَرَقَهُ تَبَيَّنَ ضَعْفُهُ» هر چه روایت، بیشتر باشد ضعفش بیشتر روشن می‌شود. قضیه دست خود این‌ها است و به نفع خودشان است. بله «ابن تیمیه» دارد که:

«فإن تعدد الطرق وكثرتها يقوى بعضها بعضا حتى قد يحصل العلم بها ولو كان الناقلون فجارا فساقا»

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة الحراني أبو العباس الوفاة: ۷۲۸، دار

النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي ج ۱۸، ص ۲۶

آدرس‌هایی را که من بعضاً از حفظ می‌گویم آدرس‌های کلیدی است از آدرس‌های حاشیه‌ای نیست. دوستان باید مثل حمد و سوره این آدرس‌ها را حفظ باشند که در همه جا به درد می‌خورد، شما اگر ده تا آدرس را انتخاب بکنید و سه چهار هفته هر روز تکرار کنید در گوشه حافظه‌تان، مرکزی درست می‌کند هر چه آدرس حفظ می‌کنید به آن جا منتقل می‌شود. من معمولاً آدرس‌ها را از نرم افزار «مکتبه اهل بیت» حفظ می‌کنم. مکتبه اهل بیت هم در اختیار شیعه و هم سنی است. آدرس‌های حدیثی را از «بیت الافکار الدولیه» که برای عربستان سعودی است معمولاً استفاده می‌کنم. مثلاً در رابطه با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)؛ مثلاً روایت (فاطمة بضعة منی) در مکتبه اهل بیت، جلد ۴، صفحه ۲۱۰ است ولی شماره حدیث ندارد. شماره حدیثش را از «بیت الافکار الدولیه» که یک جلدی است ۳۷۱۴ استفاده می‌کنم، یا در صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱ حدیث ۶۲۰۲ است، آدرس‌ها اگر تکرار بشود مثل حمد و سوره ملکه می‌شود.

مثلا در یک جلسه، کامپیوتری دست ما نیست، سی چهل تا روایت از حفظ می‌گوییم. می‌گویند فلانی! خدا چه حافظه‌ای به شما داده، نه آقا! این امر طبیعی است. البته آن‌ها که استعداد و حافظه ذاتی قوی ندارند برای‌شان مشکل است در آن هیچ شکی نیست باید یک زمینه ذاتی باشد، این‌ها البته جزء نوادر هستند. مثلاً در صحیح بخاری این آدرس همیشه در ذهن‌تان باشد آدرس خیلی خوبی است و در خیلی جاها به درد ما می‌خورد صحیح بخاری جلد ۵، صفحه ۸۲، حدیث ۴۲۴۰ یا ۴۲۴۱ - دو تا شماره به آن زدند- در آن جا دارد:

«فأبی أبو بکر ان یدفع إلی فاطمة منها شیئا فوجدت فاطمة علی أبی بکر فی ذلك فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت وعاشت بعد النبی ستة أشهر فلما توفیت دفنها زوجها علی لیلاً»

البخاری، ابوعبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۵ ص ۸۲، ناشر: دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

به ابوبکر هم خبر ندادند. خب این یک بحث است، بحث مهم‌تر از این دو سه سطر بعدی امیر المؤمنین، به ابوبکر پیام می‌دهد به منزل ما بیا

«ولا یأتنا أحد معک کراهیة لمحضر عمر»

و کسی را با خودت نیاور به خاطر نفرتی که امیر المؤمنین از عمر داشت (کراهیة لمحضر عمر) این یک.

دوم ابوبکر هم آمد گفت:

«استبددت علینا بالأمر»

می‌گویند آقا چرا امیر المؤمنین دفاع نکرد؟ امیر المؤمنین چرا آن‌ها را محکوم نکرد؟ دیگر از این واضح‌تر!! در یک حدیث سه تا مسئله:

یک: « فوجدت فاطمة علی ابی بکر فی ذلك فلم تکلمه حتی توفیت » امیر المؤمنین خودش نماز خواند اجازه نداد ابوبکر نماز بخواند و حال آن‌که اگر خلیفه پیغمبر بود باید خلیفه پیغمبر نماز بخواند.

دو: «ولا یأتنا أحد معك کراهیة لمحضر عمر»

سه: «استبددت علینا بالأمر»

این روایت در صحیح بخاری جلد ۵، صفحه ۸۲، حدیث ۴۲۴۰ - ۴۲۴۱ است.

همچنین یک روایتی خیلی مهم در صحیح مسلم است که این هم ملکه ذهن تان بشود صحیح مسلم جلد ۵، صفحه ۱۵۲، حدیث ۴۴۶۸.

«فَرَأَيْتُمَاہُ كَاذِبًا آئِمًّا غَادِرًا خَائِنًا»

النیسابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ج ۵ ص ۱۵۲، ناشر: دار الفکر - بیروت، بی تا.

امیرالمؤمنین رایش هم نسبت به ابوبکر هم نسبت به عمر چهار مسئله است: آئِمًّا، غَادِرًا، حیلہ گر و خَائِنًا خائن بود این آقایانی که در مجلس علیه آقای مصلح بیانیه می دهند که ایشان به مقدسات اهل سنت توهین کرده اگر مرد هستند بیایند علیه صحیح مسلم بیانیه صادر کنند که می گوید ابوبکر و عمر هم کاذب، هم خائن، هم حیلہ گر و هم دروغگو بودند! دیگر از این بهتر!

اگر راست می گویند و مرد هستند بیایند به میدان و اعلام کنند که این حدیث باید از صحیح مسلم، حذف بشود، مسلم را هم بگویند جایز اللعن است. مسلم در کتابش در جلد ۵، صفحه ۱۵۲ بر مبنای مکتبه اهل بیت و حدیث ۴۴۶۸ بر مبنای بیت الافکار الدولیة این حدیث را دارد، در بعضی از چاپها هم ۱۷۷۰ است

امیرالمؤمنین هم نگفت چنین عقیده ام ندارم. عبدالرحمان بن عوف نشسته تکذیب نکرده. سعد ابن ابی وقاص نشسته تکذیب نکرده. عثمان نشسته تکذیب نکرد. سعد ابن ابی وقاص نشسته هیچ کدام هم تکذیب نکردند. آخرش هم می گوید که:

«ألیس کذلک؟ قال نعم»

آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا همه این‌ها به بعد از رحلت پیغمبر بر می‌گردد.

می‌گوید:

«فلما توفى رسول الله صلى الله عليه وسلم قال أبو بكر انا ولي رسول الله صلى الله عليه وسلم ... فرأيتماه كاذبا آثما غادرا خائنا،

ثم توفى أبو بكر وانا ولي رسول الله صلى الله عليه وسلم وولى أبى بكر فرأيتمانى كاذبا آثما غادرا خائنا»

همه اینها به بحث خلافت بر می‌گردد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته